

جایگاه و منزلت سنت (رسول الله ﷺ) در اسلام

تألیف : محمد ناصر الدین الألبانی (رحمه الله)

مترجم : علی صارمی

بیداری اسلامی ::::: اهل سنت ایران و فارسی زبانان اهل سنت

www.Bidary.com

فهرست کتاب

صفحه	عنوان
۳	مقدمه مترجم
۵	مقدمه‌ی نویسنده
۶	جایگاه و منزلت سنت در اسلام و اینکه تنها قرآن کافی نیست
۸	رابطه سنت با قرآن چیست؟
۱۰	احتیاج به سنت، برای فهم صحیح قرآن
۱۵	گمراهی کسانی که می‌گویند تنها قرآن کافی است و نیازی به سنت (حدیث) نیست
۱۸	تنها دانستن زبان و لغت عربی، برای فهم صحیح قرآن کافی نیست
۲۰	یک مسأله مهم
۲۳	منابع مورد استفاده در ترجمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه ی مترجم

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيد المرسلين و قائد المجاهدين و خاتم النبيين محمد بن عبدالله ﷺ و الصلاة و السلام على أصحابه أجمعين و من تبعهم بإحسان إلى يوم الدين

این روزها امت اسلامی، شاهد بیداری اسلامی مبارکی در کلیه جوانب زندگی‌شان می‌باشند. این بیداری مبارک را دختران و پسران جوان، بوجود آورده‌اند، اما هر کسی با ژرف اندیشی به وضعیت این بیداری بنگرد، درخواهد یافت این بیداری اسلامی با مشکلات زیادی مواجه است و این امری است که بعضی از علما، دعوتگران و طلاب را واداشته، قوانین و ضوابطی وضع نمایند، تا جوانان - این بیداری مبارک - طبق آن قواعد، حرکت کنند. شکی نیست که دشمنان قسم خورده‌ی این بیداری، از قبیل یهود و نصاری و غیره به مقابله با آن بر می‌خیزند، زیرا آنها از نتایج بیداری اسلامی هراس دارند و می‌دانند که اگر بیداری اسلامی قدرت بگیرد و مسیر خویش را تکمیل نماید، آنها را با تخت و تاجشان در هم خواهد شکست.

پس جوانان پیرو این بیداری برای موفقیت و تداوم کارشان چه باید بکنند؟! جوانان قبل از هر چیز باید به کتاب خدا و سنت پیامبر ﷺ پایبند شوند و راه و روش صحیح را که آنها بر آن حرکت خواهند کرد - از این منابع اساسی اخذ کنند. اگر روش جوانان پیرو بیداری اسلامی اعم از پسر و دختر بر پایه کتاب خدا و سنت پیامبر ﷺ نباشد، بیداری و حرکت اسلامی آنان حرکتی شتابزده و انحرافی خواهد بود و بیم آن می‌رود که ضرر و تخریب آن بیشتر از اصلاح و آبادانی باشد.

باید این جوانان، بر روشی حرکت کنند، که سرور انسانیت ﷺ حرکت کرده و پس از او یاران گرامی‌اش ﷺ بر همان مسیر گام نهاده‌اند و همچنین تابعین و اتباع تابعین نیز، بر

همین راه حرکت کرده‌اند، جوانان پیرو این بیداری باید با وحدت کلمه و اتخاذ یک روش، قدرت واحدی باشند، زیرا تفرقه و از هم پاشیدگی نتیجه خوبی نخواهد داشت و دشمنان خدا را در شرق و غرب خوشحال خواهد کرد.

علما، دعوتگران و طلباب باید با جدیت در مسیر طلب حق و پیروی از آن تلاش کنند تا به نقطه‌ی مشترکی برسند، و توجه داشته باشند که اختلاف در مسائل فقهی، و اجتهادی امری عادی است و امت به سبب آن مورد ملامت قرار نمی‌گیرد. زیرا یاران پیامبر ﷺ که بهترین افراد این امت بوده‌اند، از چنین اختلافاتی به دوره نمانده‌اند.

وقتی که کتاب «مکانة السنة فی الاسلام» یکی از آثار عالم بزرگ و احیاگر سنت رسول الله ﷺ (محمد ناصر الدین الألبانی از علمای قرن بیستم) به دستم رسید، برای اینکه خدمتی به اسلام و مسلمین کرده و در حد توان جواب کوبنده‌ای، به کسانی داده باشم که پرچم‌دار نظریه قرآن بدون سنت نبوی هستند - که امروزه در عالم اسلامی به قرآنیون شهرت یافته‌اند - و تا اندازه‌ای توانسته باشم، گمراهی آنها را برای ملت مسلمان، روشن و بیان نمایم شروع به ترجمه این کتاب - البته با اندکی تصرف - کردم، از خداوند متعال خواستارم که این کار را به عنوان عملی صالح، از این بنده‌ی حقیر قبول فرماید.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

علی صارمی

مهاباد / ۱۷ شوال ۱۴۲۳ هجری قمری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه‌ی نویسنده

سپاس و ستایش برای خداوند مهربان و درود و سلام بر روان پاک پیامبر خدا ﷺ و بر آل و اصحاب با وفا و پیروان راستینش تا روز قیامت.

این کتابچه، متن سخنرانی‌ای است که آنرا در ماه رمضان سال ۱۳۹۲ هجری قمری در شهر دوحه، پایتخت کشور قطر ایراد کردم. و به خاطر اصرار عده‌ی زیادی از دوستان که عقیده داشتند، اگر چاپ شود سودمند و اثربخش خواهد بود، آنرا بر روی کاغذ آوردم تا پاسخی به درخواست آنها داده باشم و توشه‌ی آخرتی هم برایم در قیامت باشد. برای بحثهای کتاب، سرفصلهایی را انتخاب کرده‌ام تا خواننده عزیز، پس از مطالعه کتاب با خواندن آن سرفصلها بحثهای کتاب، برایش یادآوری شود. از خداوند متعال خواستارم، که من را از جمله نصرت‌دهندگان دینش، قرار دهد و پاداش اخروی خود را از ما دریغ ندارد، به حقیقت خداوند، ثروتمندترین درخواست شونده‌گان است.

محمد ناصر الدین الألبانی

دمشق ۲۲ محرم ۱۳۹۴ هجری قمری

جایگاه و منزلت سنت در اسلام و اینکه تنها قرآن کافی نیست.

إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ وَنَسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا وَ مِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا، مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ وَ مَنْ يَضَلِّ اللَّهُ فَلَا هَادِيَ لَهُ، وَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ.

﴿ يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴾

(آل عمران / ۱۰۲)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید آنچنان که باید از خدا بترسید - و با انجام واجبات و دوری از منہیات گوهر تقوا را به دامن بگیرید - و شما (سعی کنید که از مرگ غافل نباشید تا چون مرگتان به ناگاه فرا رسد) نمیرید، مگر آنکه مسلمان باشید».

﴿ يَأَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا

زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ

وَالْأَرْحَامَ ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا ﴾

(نساء / ۱)

«ای مردمان از - خشم - پروردگارتان بپرهیزید، پروردگاری که شما را از یک انسان بیافرید و سپس همسرش را از نوع او، آفرید و از آن دو نفر مردان و زنان فراوانی - بر روی زمین - پدید آورد. و از خشم خدایی بپرهیزید که همدیگر را بدو سوگند می‌دهید. و بپرهیزید از اینکه پیوند خویشاوندی را گسیخت دارید - و صلۀرحم را نادیده بگیرید - زیرا که بیگمان خداوند مراقب شماست. و کردار و رفتار شما از دیده او پنهان نمی‌ماند».

﴿ يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ﴿٧٠﴾ يُصْلِحْ لَكُمْ

أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا

عَظِيمًا ﴾

(احزاب / ۷۱-۷۰)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا بترسید و سخن صواب و حق بگویید که خداوند اعمالتان را برای شما شایسته می‌گرداند و از گناهانتان می‌گذرد و هر کسی

اطاعت خدا و رسولش را به جا آورد، پس به حقیقت به رستگاری بزرگ و حقیقی می‌رسد».

أما بعد : فإن أصدق الحديث كلام الله و خير الهدى هدى محمد ﷺ و شر الأمور محدثاتها و كل محدثه بدعة و كل بدعة ضلالة و كل ضلالة في النار.

به راستی بر این بارو هستم، که نمی‌توانم چیزی تقدیم خوانندگان عزیز نمایم، که خودشان قبل از این، آنرا نداشته باشند، به همین خاطر فقط می‌گویم که هدفم از ارائه این بحثها نوعی یادآوری برای خود و دیگران است تا شاید که شامل این فرموده خداوند قرار گیرم که می‌فرماید :

﴿وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (ذاریات / ۵۵)

«یادآوری کن به درستی که یادآوری کردن به مؤمنان سود می‌رساند».

آنچه که در این شب مبارک، یکی از شبهای ماه مبارک رمضان، می‌خواهم برایتان یادآوری کنم بحث در مورد فضیلت و بزرگی - این ماه و حکمهای روزه‌داری و ثواب زیاد نماز و روزه و قرآن خواندن - در این ماه نیست، همچنانکه عادت همیشگی واعظان و راویان است، بلکه می‌خواهم بحث مفید و مهمی را ایراد نمایم که دارای ارزش و اهمیت فراوانی است و آن (مکان و منزلت سنت پیامبر در شریعت اسلام) است، زیرا سنت یکی از پایه‌های اساسی اسلام است.

رابطه سنت با قرآن چیست؟

همه شما می دانید که خداوند محمد بن عبدالله ﷺ را به پیامبری برگزید و پیامش را به سوی او روانه و قرآن را بر وی نازل کرد و به پیامبرش ﷺ فرمان داد تا قرآن را برای مردم به خوبی بیان کند.

﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ﴾ (نحل / ۴۵)

«و قرآن را بر تو فرستادیم تا برای مردم، آنچه را که برایشان فرستاده شده است، بیان کنی.»

به نظر من، لفظ «تبیین» - آشکار کردن - که خداوند در این آیه بحث کرده شامل دو بخش است :

الف) روشن و آشکار کردن لفظی و معنای ظاهری آن یعنی پنهان نکردن پیام وحی الهی و رساندن و ابلاغ کردن قرآن به مردم به وسیله پیامبر ﷺ به گونه ای که خداوند آنرا بر دل و جان پیامبر نازل کرده است، این معنی در آیه زیر خلاصه می شود که می فرماید :

﴿يَتَأْتِيَ الرُّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ﴾ (مائده / ۶۷)

«ای رسول آنچه را که از طرف خدایت بر تو نازل شده، ابلاغ و آشکار کن. ای پیامبر اگر آن کار را نکنی، پیام پروردگارت را نرسانده ای.»

أم المؤمنین عائشه - رضی الله عنها - می فرماید :

«و من حدثکم أن محمداً کتم شیئاً أمر بتبلیغه فقد أعظم علی الله الفریة ثم تلت

الآیة المذكورة

هر کسی به شما بگوید که محمد ﷺ آنچه را که به وی وحی شده و مأمور به تبلیغ آن شده پنهان نموده و ابلاغ نکرده است، بداند که تهمت بزرگی را بر خدا بسته است و سپس این آیه را خواند :

﴿ وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ
وَاتَّقِ اللَّهَ وَخُفِيَ فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ
تَخْشَاهُ ﴾

(احزاب / ۳۷)

«و چون به آن کسی که خداوند بر او احسان کرد و تو نیز بر او احسان کردی گفتی که همسرت را با خود، نگاه‌دار و از خدا بترس و در نفس خودت، آنچه را که خدا ظاهرکننده و آشکارکننده آن است، پنهان داشتی به سبب ترس از مردم، در حالی که خداوند سزاوارتر است، از اینکه از او بترسی».^۱

ب) روشن و آشکار کردن معنای آیتهای قرآن، که فهمشان برای مردم، سخت بود و آن آیهایی که نیاز بیشتری دارند تا برای مردم واضحتر شوند، شامل؛ آیات مجمل، عام و یا مطلق هستند، که سنت آیات مجمل را تشریح و آیات عام را خاص و آیت مطلق را مقید می‌کند و سنت، هم شامل؛ اعمال، اقوال و تقریرات^۲ پیامبر است.

۱- متفق علیه.

۲- تقریرات : صحابه عملی را انجام داده‌اند و پیامبر ﷺ در مورد آن سکوت فرموده و سکوتش نشانه رضایت بوده است.

احتیاج به سنت، برای فهم صحیح قرآن

آیه ﴿ وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا ﴾ (مائده / ۳۸)

«دست مرد و زن دزد را قطع کنید».

این آیه نمونه خوبی برای بحثمان است، زیرا که - السارق - در این آیه، بطور مطلق و عام بیان شده و شامل هر نوع دزدی می شود. همچنانکه - الید - هم بطور مطلق و عام بیان شده و شامل تمام دست می شود، ولی سنت قولی پیامبر ﷺ - السارق - را مقید کرده به کسی که یک چهارم دینار یا بیشتر از آن را می دزدد و کسی که کمتر از یک چهارم دینار را بدزدد، دستش قطع نمی شود. همچنانکه پیامبر ﷺ می فرماید: «لا قطع فی ربع دینار فصاعدا: دست دزد قطع نمی شود مگر مال دزدی از یک چهارم دینار بیشتر باشد»^۱. و به همین شیوه - الید - هم به وسیله سنت عملی پیامبر ﷺ و اصحابش مقید شده در میج دست، یعنی پیامبر ﷺ و یارانش دست دزد را از میج دست، قطع می کردند، همچنانکه در این مورد احادیث زیادی در کتب حدیث وارد شده است.

همچنین سنت گفتاری پیامبر ﷺ کلمه - الید - را که در آیه تیمم (مائده / ۶) آمده روشن و بیان نموده است، که پیامبر ﷺ می فرماید: «التیمم ضربة للوجه و الکفین: تیمم عبارت است از اینکه یک بار، کف هر دو دست بر زمین زده شود، سپس صورت و کف هر دو دست مسح شود»^۲.

در ادامه به چند آیه دیگر هم اشاره می شود که بیانگر این مطلبند ما بدون سنت نمی توانیم معنای دقیق آنها را همچنانکه خداوند می خواهد بفهمیم.

۱) آیه ﴿ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا ءِيمَنَتَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ

مُهْتَدُونَ ﴾ (انعام / ۸۲)

۱- متفق علیه.

۲- احمد و شیخین و غیر از آنها نیز از حدیث عمار بن یاسر آنرا روایت کرده اند.

«آنانکه ایمان آوردند و ایمانشان را به ظلم (شرک) نیامیختند، برای آنها امنیت و آسایش است و آنها هدایت یافتگانند».

یاران پیامبر فکر کردند که منظور از کلمه ظلم در این آیه، هرگونه ستم و گناهی است که دچار آن می‌شوند هرچند که گناهان، صغیره هم باشد. به همین خاطر بود که معنای آیه را درک نکردند «و گفتند: ای رسول الله همه در حالیکه ایمان داریم دچار گناه و ستم شده‌ایم پس شامل این آیه نمی‌شویم؟ پیامبر ﷺ فرمودند که: در اینجا منظور از کلمه (ظلم)، شریک قرار دادن برای خداوند است، آیا تا به حال سخن لقمان را نشنیده‌اید که فرزندش را نصیحت می‌کند و می‌گوید:

﴿إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾ (لقمان / ۱۳)

«به راستی شرک، گناه و ستم بزرگی است».^۱

(۲) آیه: ﴿وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنْ

الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا﴾ (نساء / ۱۰۱)

«هر گاه در زمین، سفر کردید، هیچ گناهی بر شما نیست که نمازهایتان را کوتاه کنید، اگر بترسید که کافران شما را دچار فتنه و عذابی کنند».

ظاهر این آیه، چنین می‌رساند که کوتاه کردن نماز در سفر، فقط در هنگام وجود ترس درست است و اگر ترس نباشد، نباید نماز را در سفر کوتاه کرد، به همین خاطر، عده‌ای از یاران پیامبر ﷺ از او سؤال کردند: «ما بالنا نقتصر و قد أمانا؟ قال: صدقه تصدق الله بها عليكم فاقبلوا صدقة: ای رسول خدا چرا در حالیکه ترس وجود ندارد و در آسایش و امنیت به سر می‌بریم نماز را کوتاه کنیم؟ پیامبر فرمودند: این موهبتی از طرف خداوند برای شماست، شما هم آنرا قبول کنید و به آن عمل نمایید».^۲

(۳) آیه ﴿حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أَلْمِيتَةُ وَالْدَّمُ﴾ (مائده / ۳)

۱- متفق علیه.

۲- مسلم.

«بر شما گوشت مردار و خون، حرام شده است».

سنت قولی پیامبر ﷺ این آیه را شرح داده است و می‌فرماید: «أحلت لنا ميتتان و دمان، الجراد و الحوت و الكبدة و الطحال: دو مردار و دو خون برایمان حلال شده است، مردار ملخ و ماهی و خون جگر و طحال حیوان»^۱.
در اینجا می‌بینیم که براساس سنت پیامبر ﷺ بعضی از موارد، از آیه بالا استثنا شده‌اند که اگر سنت نبود ما دچار گمراهی و اشتباه در این آیه می‌شدیم.

﴿ آیه ۴ ﴾ قُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَىٰ طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَّسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنْزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أُهْلًا لِّغَيْرِ اللَّهِ بِهِ ۗ ﴿
(انعام / ۱۴۵)

«بگو در آنچه که به سوی من وحی شده هیچ چیز حرامی را نمی‌یابم برای کسی که می‌خواهد بخورد مگر گوشت مردار یا خون جاری و خالص و گوشت خوک را، به درستی که هر چیز، هم که برای غیر خدا سر بریده شود و نام غیرخدا بر او آورده شود حرام است».

ولی بعداً سنت پیامبر ﷺ چندین چیز دیگر را حرام کرده، که در این آیه به آن اشاره نشده است، مانند این فرموده پیامبر ﷺ که می‌فرماید: «كل ذی ناب من السباع و كل ذی مخلب من الطیر حرام: خوردن هر نوع حیوان درنده‌ای که دارای دندانهای تیز شکاری و هر نوع پرنده‌ای که دارای چنگالها و ناخنهای خم شده و تیز شکاری باشد، حرام است»^۲.
فرموده‌های زیاد دیگری از پیامبر ﷺ در مورد حرام بودن بعضی از چیزهایی که در این آیه، ذکر نشده، وجود دارد و می‌توان به این فرموده پیامبر ﷺ در روز خیبر، ایراد فرمودند اشاره کرد: «ان الله و رسوله ينهاكم عن الحمر الإنسية فإنها رجس: خدا و

۱- بیهقی و غیره او.

۲- مسلم و ترمذی.

رسولش خوردن گوشت خر اهلی را بر شما حرام کرده‌اند، پس آنرا نخورید، چون کثیف است»^۱.

﴿ قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ ﴾

(اعراف / ۳۲)

«بگو چه کسی حرام کرده این زینت و روزی پاک را که خداوند در زمین برای بندگانش قرار داده است».

سنت قولی پیامبر ﷺ بعضی از زینتهایی را که حرام هستند، بیان کرده است، پیامبر ﷺ می‌فرماید: «إِنَّهُ خَرَجَ يَوْمًا عَلَى أَصْحَابِهِ وَ فِي إِحْدَى يَدِهِ حَرِيرٌ وَ فِي الْأُخْرَى ذَهَبٌ. قَالَ: هَذَا حَرَامٌ عَلَى ذَكَورِ أُمَّتِي وَ حَلٌّ لِإِنَائِهَا: رَوْزِي پیامبر در حالیکه در یک دست، پارچه ابریشم و در دست دیگرش، طلا بود، به طرف یارانش رفت و فرمود: این دو برای مردان امتم، حرام و برای زنان امتم حلال هستند»^۲.

و در این موارد احادیث زیاد دیگری در کتابهای حدیث، مانند: صحیح بخاری و مسلم و مسانید^۳، وجود دارند، که علما به آنها اشاره کرده‌اند و آنها را مورد شرح و بسط قرار داده‌اند.

در مثال اولی که آوردیم یاران پیامبر ﷺ کلمه - ظلم - را به معنی انواع گناهان کبیره و صغیره فهمیده بودند، یاران و اصحابی که «عبدالله بن مسعود» در مورد آنها می‌فرماید: «یاران پیامبر، بهترین انسانهای امتش بودند، دل و درونشان از تمام دلها پاکتر و مخلصتر بود، علمشان به قرآن و حدیث از همه، بیشتر بود، کمتر بر خود تکلیف سنگین قرار می‌دادند ولی در عین حال دستورات قرآن و حدیث را به نحو احسن اجرا می‌کردند ولی با وجود این صفات حسنه‌ای که داشتند در مورد تفسیر کلمه - ظلم - دچار اشتباه شدند و

۱- متفق علیه.

۲- حاکم و غیره او.

۳- مسند امام مالک، مسند امام شافعی، سنن ترمذی، سنن ابن ماجه، سنن نسائی و غیره.

اگر پیامبر ﷺ آنها را از این اشتباه، در نیاورده بود و معنای صحیح کلمه - ظلم - را که منظور شریک قرار دادن برای خداست برای آنها روشن نکرده بود ما هم حالا پیرو آن اشتباه صحابه می شدیم، ولی خداوند، به وسیله پیامبر ﷺ و سنتش، صحابه رسول الله و پیروان امت رسول الله را از این اشتباه مصون و حفظ کرد.

در مثال دوم هم اگر فرموده پیامبر ﷺ نبود، همچنان در شک و شبهه می ماندیم. که اگر در سفر، ترس وجود نداشت و ما در آسایش و راحتی به سر بردیم، باز هم می توانیم نمازهایمان را کوتاه کنیم یا نه. اگر ترس را بعنوان شرطی از شروط کوتاه کردن نماز، در سفر به شمار می آوریم، همچنانکه از ظاهر آیه، چنین پیداست، و عده ای از صحابه هم در ابتدا چنین فکر کردند، دچار اشتباه و گمراهی می شدیم، در حالیکه پیامبر ﷺ این شبهه را از بین بردند و در حالت آسایش و راحتی هم نماز را کوتاه کردند.

در مثال سوم اگر حدیث پیامبر ﷺ نبود، چندین چیز را، در حالیکه برایمان حلال بود، حرام می کردیم، مانند: ملخ، ماهی، جگر و طحال.

در مثال چهارم هم، اگر فرموده پیامبر ﷺ نبود، چندین چیز را در حالیکه برایمان حرام بود، حلال می کردیم، مانند: هر نوع حیوان درنده ای که دارای دندانهای تیزشکاری و هر نوع پرنده ای که دارای چنگال و ناخنهای خم شده و تیزشکاری باشد.

و در مثال پنجم هم، اگر فرموده های پیامبر ﷺ نبود، ابریشم و طلا را برای مردان، حلال می دانستیم در حالیکه برای مردان حرام است، و به همین خاطر است که علمای سلف گفته اند که سنت حاکم - حکم کننده - بر قرآن است.

ای برادران در آنچه گذشت، برایمان روشن شد که سنت در اسلام چقدر ضروری و مهم است و به غیر از آیات اشاره شده در بالا، نمونه های زیاد دیگری وجود دارد که بدون سنت نمی توانیم معنی دقیق و درست آنها را بفهمیم. مانند آیاتی که درباره چگونگی انجام نماز، روزه، زکات، حج، طهارت، جهاد و غیره هستند، که در همگی آنها نیاز مبرم به سنت برای شرح و بسطشان وجود دارد. و در اینجا به اقوال عده ای از علمای فقه، اشاره می کنیم که فرموده اند: حداقل هشتاد درصد از دستورات عبادی اسلام مانند: نماز، روزه، حج،

زکات، طهارت، معاملات، نکاح، ارث، و سایر ابواب فقهی از احادیث رسول الله ﷺ استخراج شده و شاید بیست درصد از قرآن استخراج شده باشند.

گمراهی کسانی که می گویند تنها قرآن کافی است و نیازی به سنت (حدیث)

نیست.

متأسفانه امروزه عده‌ای از مفسران گمراه و نویسندگان کوتاه فکر را می‌بینیم که می‌گویند خوردن گوشت حیوانات درنده و شکاری و پوشیدن لباس ابریشم و انگشتری طلا برای مردان حلال است و دلیلشان این است، چون آنها در قرآن حرام نشده‌اند، پس نزد ما هم، حرام نیستند و کاری به حدیث نداریم، که آنها را حرام کرده است یا نه. این عده که فقط خود را ملزم به پیروی از قرآن می‌دانند و احادیث را قبول ندارند به (القرآنیون) [قرآنی‌ها] شهرت یافته‌اند، از نظر آنها فقط قرآن برای زندگی بشری کافی است و احادیث و سنت نبوی ﷺ قابل قبول نیست و لزومی ندارد. آنها قرآن را از براساس عقل و هوی و هوسشان تفسیر می‌کنند و برای تفسیر قرآن کاری به سنت پیامبر ﷺ ندارند و اگر هم، دنبال سنت و احادیث رسول الله ﷺ بروند آنچه را قبول می‌کنند که با عقل و هوی و هوسشان همخوانی دارد و آنچه را هم که با آن همخوانی ندارد رد می‌کنند. پیامبر ﷺ در زمان حیاتش، ما را از چنین قوم و تفکری بازداشته و می‌فرماید: «لا ألفین أحدکم متکئا علی أریکته یأتیہ الأمر من أمری مما أمرت به و أو نهیت عنه، فبقول لا أدری ما وجدنا فی کتاب الله إتبعا: کسی از شما را نبینم، در حالیکه بر جایش تکیه داد - لم داده است - و دستوری از دستورات، من - آنچه بدان امر کرده و یا از آن نهی کرده‌ام - برایش بیاید و بگوید، من نمی‌دانم و تنها از آنچه که در قرآن آمده، پیروی می‌کنم و کاری به فرموده پیامبر ندارم»^۱.

و همچنین از ابوهریره، روایت شده که پیامبر ﷺ می فرماید: «ترکت فیکم امرین لن تضلوا ما تمسکتُم بهما کتاب الله و سنة رسول الله: در میان شما دو چیز را به جا می گذارم و مادامی که به آن دو دست بگیرید و به آن عمل کنید گمراه نمی شوید، کتاب خدا و سنت رسول الله ﷺ (همان احادیث و روایات رسول الله)». در این حدیث، پیامبر ﷺ پیروی تنها از قرآن را بدون همراهی حدیث گمراهی و ضلالت دانسته است. و در جای دیگری می فرماید: «ما وجدنا فیہ حرام حرمانہ إلا و إنی أوتیت القرآن و مثله معہ: اقوامی پیدا می شوند و آنچه را که در قرآن حرام است، حرام می دانند در حالیکه به من قرآن و آنچه که مانند قرآن و همراه قرآن است، داده شده است (حدیث و سنتش)».

و یا می فرماید: «ألا إن ما حرّم رسول الله مثل ما حرّم الله: آگاه باشید آنچه را که پیامبر حرام کرده مانند این است که خدا آنرا حرام کرده باشد».

متأسفانه امروزه کتابهای زیادی درباره شریعت و اعتقادات اسلامی و عقیده اهل سنت و جماعت نوشته می شوند. و نویسندگان این کتابها، به اقرار خودشان می گویند که ما برای نوشتن این کتابها هیچگونه مراجعه ای به احادیث پیامبر ﷺ نداشته و فقط به قرآن مراجعه کرده ایم، در حالیکه می دانیم شریعت و اعتقادات اسلامی تنها قرآن نیست بلکه احادیث پیامبر ﷺ هم جزو شریعت اسلام است، و قرآن و حدیث پیوسته و همیشه با هم هستند و مانند دو بال، برای پرواز عمل می کنند و پرواز با یک بال ممکن نیست، کسی که به یکی از آن دو دست بگیرد و از آن، پیروی کند در اصل به هیچکدام دست نگرفته و از هیچکدام پیروی نکرده است، زیرا هر یک از آن دو به پیروی و دست گرفتن به دیگری امر می کنند، همچنانکه خداوند در آیات متعددی به این مطلب اشاره کرده است و می فرماید:

﴿ مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ ﴾ (نساء / ۸۰)

«هر کس از پیامبر اطاعت کند به حقیقت از خداوند اطاعت کرده است».

﴿ فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا

فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ﴾ (نساء / ۶۵)

«قسم به خدا آنها ایمان نمی‌آورند، مگر آنکه تو را در آنچه که دچار اختلاف می‌شوند داور قرار دهند و سپس به آنچه که برایشان حکم کردی در دلشان هیچگونه ناراحتی وجود نداشته باشد و تماماً تسلیم شده باشند».

﴿ وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَىٰ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ

الْحِزْبُ مِنْ أَمْرِهِمْ ۗ وَمَنْ يَعِصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا ﴾

(احزاب / ۳۶)

«برای هیچ زن و مرد مؤمن و مسلمانی درست نیست وقتی که خدا و رسولش به امری دستور دادند منتظر بماند - و خود را در انجام دادن و یا انجام ندادن آن صاحب اختیار بدانند - بلکه باید فوراً به آن امر، عمل کند و هر کسی از خدا و رسولش سرپیچی کند، به حقیقت دچار گمراهی آشکاری شده است».

﴿ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا ﴾ (حشر / ۷)

«و به آنچه که پیامبر دستور می‌دهد چنگ زنید و به آن عمل کنید و از هر آنچه که شما را بر حذر می‌دارد و نهی می‌کند دست بکشید و آنرا انجام ندهید».

و به مناسبت این آیه، روایتی از ابن مسعود می‌آوریم که روزی زنی پیش ابن مسعود آمد و گفت : تو آن کسی هستی که می‌گویی : «لعن الله النامصات والتمنصات و الواشحات و ... الحديث. قال : نعم. قالت : فإني قرأت كتاب الله من أوله الى آخره فلم أجد ما فيه تقول. فقال : لها إن كنت قرأتيه لوجدتيه، أما قرأت : و ما آتاكم الرسول فخذوه و ما نهاكم عنه فانتهوا. قالت : بلى قال : فقد سمعت رسول الله يقول : «لعن الله النامصات والتمنصات و الواشحات و ... الحديث» : آیا تو آن کسی هستی که می‌گویی : «لعنت [دوری از رحمت] خدا بر آن زنی که موی ابروی زنان را برمی‌دارد و بر آن زنانی که موی ابرویشان را برمی‌دارند و همچنین لعنت خدا بر آن زنانی که خال برای دیگران

می‌کوبند و ... تا آخر حدیث» ابن مسعود رضی الله عنه گفت : بله من این حرفها را گفته‌ام، آن زن گفت : من تمام قرآن را خوانده‌ام و اصلاً چنین چیزهایی را در آن ندیده‌ام، ابن مسعود به آن زن گفت : اگر خوانده بودی آنرا می‌یافتی. آیا این آیه را نخوانده‌ای که خداوند می‌فرماید : «و ما آتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا» زن گفت : بله خوانده‌ام، ابن مسعود هم گفت : من هم این سخنان را از پیامبر شنیده‌ام و آنها را گفته‌ام^۱.

تنها دانستن زبان و لغت عربی، برای فهم صحیح قرآن کافی نیست.

در بحثهای گذشته، برایمان روشن شد که هیچ کس نمی‌تواند فقط به وسیله یاد گرفتن زبان و لغت عربی به فهم صحیح و درستی از قرآن دست یابد و همواره، نیازمند احادیث صحیح و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله می‌باشد، زیرا یاران و همراهان پیامبر صلی الله علیه و آله نسب به زبان، ادبیات، لغات و بلاغت عرب، آشنایی کامل و وافر داشتند و هیچ کس به پای آنها نمی‌رسید، ولی در عین حال در فهم قرآن - مثل آن مواردی که در باب احتیاج به سنت برای فهم صحیح قرآن - دچار اشتباه و تردید می‌شوند، زیرا آنها تنها به زبان و لغات عرب برای فهم قرآن تکیه کرده بودند، ولی بعداً که از سنت و روش پیامبر صلی الله علیه و آله پیروی کردند، به فهم صحیح و درستی از قرآن رسیدند، پس به همین خاطر، تا زمانیکه مسلمانان نسبت به قرآن و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله آگاهتر و داناتر باشند، در فهم قرآن، دارای جهت‌گیری صحیحتر و مطلوب‌تری خواهند بود و از افتادن، در وادی ضلالت و گمراهی مصون می‌مانند. البته ما نمی‌گوییم برای تفسیر و فهم قرآن نیازی به زبان و لغت عرب نیست، زیرا قرآن به زبان عربی نازل شده است، منظور ما این است که برای تفسیر قرآن یک سلسله مراتبی وجود دارد که باید آنرا مراعات کنیم، تا دچار گمراهی نشویم و به تفسیر درست و واضحی از قرآن برسیم.^۲

۱- متفق علیه.

۲- مترجم برای اینکه بتوانیم آیات قرآن را درست تفسیر کنیم باید به پنج مرحله توجه داشته باشیم :

در اینجا جا دارد که به گمراهی علمای علم کلام، فلسفه و منطق نیز اشاره‌ای داشته باشیم از گذشته تا به حال، همواره مخالف شدیدی در فهم قرآن با علمای سلف (پیشینیان) ما داشته‌اند و در مسائل فقهی هم اختلافات بسیار زیادی را با علمای صدر اسلام بوجود آورده‌اند و آن هم به علت دور بودن آنها از سنت نبوی و احادیث رسول الله ﷺ و غوطه‌ور شدن در میزان عقل و هوی و هوسشان بوده است، این کلامیون و فیلسوفان زمان، همواره برای تفسیر و فهم قرآن، دنباله‌رو عقل، زبان و لغات عرب بوده‌اند و در تفسیر آیات متشابه خصوصاً در مورد اسماء و صفات خدا، دچار اشتباهات و گمراهیهای بزرگی شده‌اند و این رهبران وادی ضلالت به خود، جرأت نداده‌اند که برای تفسیر و فهم قرآن نیم‌نگاهی هم به احادیث رسول الله ﷺ داشته باشند، و هیچ‌گاه خود را مقید به پیروی از موازین صحابه رسول الله ﷺ نمی‌بینند، صحابه‌ای که تنها آیات قرآن را به ما نرسانده‌اند بلکه آنها همراه قرآن، فهم صحیح و درست از آیات قرآن را نیز برای ما آورده‌اند و آنها کسانی نبودند که فوراً قرآن را یاد بگیرند و آنرا کورکورانه برای نسلهای بعدی بفرستند، بلکه آنها در اثر همنشینی چندین ساله با پیامبر ﷺ و پرسیدن هر آنچه که ندانستند به مغز و درون وجودی قرآن رسیدند و همراه قرآن معنی و مفهوم آیات و کلمات آنرا هم برای نسلهای بعدی به ارمغان آوردند، و هر کس از راه و روش آنها پیروی نکند معلوم می‌شود که به رأی و نظر خود، قرآن را تفسیر کرده است و هر کسی هم که چنین کاری کند، اگر هم به نتیجه صحیحی رسیده باشد، باز دچار گناه و سرپیچی شده است، ولی در عوض هر کسی که برای تفسیر قرآن آن سلسله مراتبی را که در سطور گذشته به آن اشاره شد، رعایت کند، اگر هم دچار اشتباه شود باز مورد پاداش و ثواب خداوند قرار می‌گیرد و اگر هم به نتیجه صحیحی رسیده باشد دارای دو اجر خواهد بود.

ب) تفسیر قرآن با حدیث

د) تفسیر قرآن با اقوال تابعین

الف) تفسیر قرآن با قرآن

ج) تفسیر قرآن با اقوال صحابه

ه) تفسیر قرآن با زبان و لغت عربی

پس بر ما واجب است که تسلیم مطلق پیامبر ﷺ باشیم و خود را مقید به دستوراتش بدانیم و به آنچه خبر داده و دستور فرموده دست بگیریم و از آن پیروی کنیم بدون اینکه با تفکرات و اندیشه‌های خیالی و باطل و نامگذاری‌های رنگارنگی مانند : عقلانیت، مدرنیسم، تجددگرایی و غیره مقابله بایستیم و افکار و اندیشه‌های باطل را در بین مردم، گسترش دهیم و مردم را در فهم صحیح سنت دچار اشتباه، شک، شبه و گمراهی نماییم.

باید به توحید (یکتاپرستی در توحید خدا) به روش پیامبر ﷺ برگردیم و ببینیم که چگونه او خداوند را عبادت کرده و با خدایش به راز و نیاز پرداخته، ما هم چگونه عمل کنیم. در نتیجه بر مسلمانان واجب است که هیچگونه اختلافی بین قرآن و سنت رسول الله ﷺ چه در قبول کردن و چه در عمل کردن به آن دو قرار ندهند، زیرا که شریعت اسلامی بر دو پایه قرآن و سنت، استوار شده است، همچنانکه در حدیثی که از امام مالک روایت شده، به آن اشاره نمودیم.

یک مسأله مهم

بعد از مطالبی که گفته شد، جا دارد به این مطلب نیز اشاره کنیم به حقیقت، سنتی که دارای این چنین منزلت و مقامی در شریعت اسلامی است، همان احادیث صحیح و به ثبوت رسیده رسول الله ﷺ هستند، که علمای حدیث آنها را تحقیق و بازنگری کرده‌اند، نه هرگونه حدیثی که در بعضی از کتابهای فقهی و تفسیری و فضائل اعمالی وجود دارند، زیرا در آنها احادیثی وجود دارند که ضعیف، منکر، موضوع و یا مجعولند^۱ و اسلام، از این گونه احادیث بیزار و مبراً است، مانند حدیث (هاروت و ماروت) و داستان (الغرائیق) و غیره که در این باره کتابچه کوچکی در مخالفت با آنها نوشته‌ام، که اکنون به چاپ رسیده

۱- مترجم : برای آگاهی پیدا کردن در مورد طبقات احادیث می‌توانید به کتاب حدیث‌شناسی نوشته استاد ملا عبدالله احمدیان مراجعه کنید.

است^۱ و عده زیادی از اینگونه احادیث ضعیف و موضوع را مورد تحقیق و تفحص قرار داده و در کتاب (سلسلة الأحادیث الضعیفة و الموضوعة و أثرها السیء فی الأمة) گردآوری نموده‌ام که شماره احادیث در آن، به چهار هزار حدیث می‌رسد و تا کنون از این تعداد پانصد حدیث به چاپ رسیده است.^۲

پس بر اهل علم خصوصاً کسانی که آراء و نظراتشان به عنوان فتوا، در بین مردم منتشر می‌شود واجب است که بی دلیل هیچ حدیثی را قبول نکنند، تا از صحیح بودن آن اطمینان حاصل کنند، زیرا کتابهای فقهی که از آنها استفاده می‌کنند، دارای احادیث ضعیف و منکر زیادی هستند و آنچه که در اینجا به آن اشاره کردم، نزد علما و دانشمندان اسلامی امری روشن و آشکار است.

قبلاً به سبب تصمیمی که اتخاذ کرده بودم، پروژه‌ای بزرگ و مهم را آغاز کردم، برای کسانی که در آینده به مطالعات فقهی می‌پردازند، خیلی سودمند و مفید خواهد بود و اسمش را (الأحادیث الضعیفة و الموضوعة فی أمهات الکتب الفقهیة) گذاشتم و منظورم از امهات الکتب، کتابهای زیر می‌باشد :

- ۱) کتاب (الهدایة) نوشته مرغینانی در فقه مذهب امام حنفی (رح).
- ۲) کتاب (المدونة) نوشته ابن القاسم در فقه مذهب امام مالک (رح).
- ۳) کتاب (شرح الوجیز) نوشته رافعی در فقه مذهب امام شافعی (رح).
- ۴) کتاب (المغنی) نوشته ابن قدامه در فقه مذهب امام احمد بن حنبل (رح).
- ۵) کتاب (بداية المجتهد) نوشته ابن رشد اندلسی (رح) در فقه مقارن.

۱- نام کتاب «نصب المجانیق فی نصف قصه الغرائق»؛ چاپ المکتبة الاسلامیة.

۲- مترجم : جا دارد اینجا اشاره شود که اکنون هر دو مجموعه این نویسنده تحت عناوین زیر نزد انتشارات المکتبة الاسلامیة به چاپ رسیده است :

الف) سلسلة الأحادیث الصحیحة ب) سلسلة الأحادیث الضعیفة و أثرها السیء فی الأمة.

ولی متأسفانه به علت مشکلاتی که برایم پیش آمد نتوانستم آنها را به تمام برسانم، زیرا انتشارات (الوعی الاسلامی) در کویت قول داده بود که آنرا چاپ و منتشر نماید، زیر قول خود زد و عهد و پیمانش را زیر پا گذاشت. هرچند که این کارم به پایان نرسیده، ولی امیدوارم که خداوند، توانائیم دهد تا در آینده به لطف خودش همین کار را به نحو احسن و شیواتری دوباره شروع کنم و یک منهج و طریق قابل اعتمادی را برای شناسایی احادیث صحیح و ضعیف برای کسانی که مشغول مسائل فقهی هستند وضع کنم، تا به آن طالبان علم در شناسایی هر چه آسانتر و فهم صحیحتر احادیث کمک کند و بتوانند به منبع و مصدر خالص و پاک احادیث نبوی ﷺ دسترسی داشته باشند و از سرگردانی و در اشتباه افتادن رهایی یابند.

در پایان، به این نکته اشاره می‌کنم که بر داعیان و دعوتگران به سوی اسلام، واجب است که نسبت به کتاب خدا و سنت رسول الله ﷺ علم و آگاهی کافی داشته باشند تا با آگاهی کامل بتوانند مردم را به سوی دین اسلام دعوت کنند، زیرا اگر دعوتگران دارای علم صحیح و بصیرت کاملی نباشند با دعوت خود مردم را به ورطه گمراهی و ضلالت می‌کشاند و بدون آنکه خود بفهمند باعث ضلالت قومی می‌شوند، که دیگر فرصتی برای اصلاح آن نخواهند داشت. پس دعوتگران دین، باید سعی کنند اول خودشان را به سلاح قرآن و سنت هر چه بیشتر و بهتر مجهز کنند و سپس ادعای دعوت مردم به سوی دین اسلام را داشته باشند، تا شاید هم آنها و هم ما مورد رحمت و مغفرت خداوند متعال قرار گیریم و از خداوند خواستاریم که از گناهانمان در گذرد و ما را جزو بندگان راستین و مقربش قرار دهد.

و آخر دعوانا

أن الحمد لله رب العالمین

منابع مورد استفاده در ترجمه

۱. فرهنگ نوین؛ مصطفی طباطبایی.
۲. تفسیر نور؛ دکتر مصطفی خرم‌دل.
۳. تفسیر ایسر التفاسیر؛ دکتر ابوبکر الجزائری.
۴. بهجة الناظرین شرح ریاض الصالحین؛ ابي أسامة سليم بن عيد الهلالي.
۵. المنجد (عربی به فارسی)؛ محمد بندر ریگی.
۶. موقف اهل السنة و الجماعة من رد أهل الأهواء و البدع؛ دکتر عامر الرحیلی.
۷. شرح صحیح مسلم؛ امام نووی.